

# خط نگاره‌های قرآنی در قالبی بافی و فلز کاری دوره صفویه

## چکیده:

پژوهش در هنرهای سنتی ایران، علاوه بر شناسایی جنبه‌های هنری و فنی آثار گذشته‌ی این مرز و بوم ابعاد فرهنگی و تاریخی دوران خود را پیش‌روی تحقیق‌کنندگان می‌گذارد. بدیهی است که دسترسی به این ابعاد زمانی که این آثار دارای تزیین نوشتاری باشند و به زبان معمول داده‌هایی را در اختیار بگذارند، آسان‌تر صورت خواهد پذیرفت.

آثار هنری سنتی در دوره‌های مختلف، به ویژه پس از ظهور فرهنگ غنی اسلام در ایران با توجه به تأکید این آیین بر علم و سوادآموزی و رویکرد مثبت آن در بهره‌گیری از هنر خوشنویسی، از تزیین نوشتاری بسیار بهره برده‌اند. البته استفاده از خط نگاره‌ها صرفاً جنبه‌ی تزیینی نداشته و بیشتر به منظور پیام‌رسانی و نشان دادن جایگاه یک مسئله به کار رفته است. دوره‌ی صفویه نیز یکی از دوران‌های پررونق و شکوفایی هنرهای سنتی ایران است. دو هنر - صنعت قالبی بافی و فلز کاری در این دوره هنرهای مطرحی هستند.

در این مقاله که با هدف شناسایی جایگاه خط‌نگاره در آثار فلز کاری و قالبی بافی دوره صفویه تنظیم شده است، نمونه‌هایی از اشیاء فلزی و قالبی‌هایی که دارای خط نگاره با محتوای قرآنی هستند از جمله ۷ مورد قالبی و ۹ مورد فلز مورد بررسی قرار گرفته و به لحاظ مضمون و جایگاه خط نگاره در ترکیب‌بندی اثر و رابطه میان این دو با نوع و کاربرد نمونه بررسی شده است. بیش از آن نیز وضعیت این دو هنر در دوره‌ی صفویه مورد مطالعه قرار گرفته است. اغلب قالبی‌هایی که در آن‌ها آیات قرآنی بافته شده، یا قالبی‌های موقوفه بوده یا قالبی‌های سجاده‌ای و تزیینی که امکان لمس آن‌ها توسط افراد بی‌وضو کمتر بوده است بنابراین قالبی‌های دارای خط‌نگاره‌ی قرآنی در این دوره از نوع قالبی‌هاست.

آن دسته از اشیاء فلزی آیات قرآنی به کار رفته، کاربرد خاصی داشته‌اند و عموماً برای مقاصد آیینی و مذهبی به کار رفته‌اند. محتوای آیات به کار رفته در هر دو گونه (قالبی و فلز) را بیشتر حجم و اهمیت کاربردی آیه تعیین کرده است. از این‌رو هنرمند بیشتر از سوره‌های کوچک جزء سوره‌ی ام‌قرآن و آیه‌الکرسی و آیات کوتاه که پیامی در خود دارد استفاده نموده است.

روش گردآوری مطالب این مقاله روش کتابخانه‌ای است و تنظیم آن با تکیه بر اسناد و به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای صورت گرفته است.

سوالات اصلی: ۱- مضامین قرآنی نهفته در خط نگاره‌های قالبی و فلز دوران صفویه چیست؟

۲- آیا استفاده از مضامین قرآنی در قالبی و فلز بر نوع کاربرد آن، تأثیر داشته است؟

اهداف اصلی: ۱- شناخت نوع مضامین قرآنی به کار رفته در قالبی و فلز صفویه

۲- دستیابی به تمایز و تشابه خط نگاره‌های قرآنی به کار رفته در قالبی و فلز صفویه

واژگان کلیدی: خط نگاره، قالبی، اشیاء فلزی، صفویه، مضامین قرآنی.

## مقدمه

پس از آنکه خانواده‌ی ایرانی صفوی قدرت را به دست گرفت، مذهب رسمی ایران را به شیعه تغییر داد. تا آن زمان شماری از سلسله‌های ترکی-مغولی بیش از چهار سده بر ایران حکومت کرده بودند. سلسله‌ی صفوی بیش از یک سده دوام یافت و ضمن اینکه سنت پادشاهی را دوباره برقرار کرد، قلمرو استوار تاریخی و تشکیلات سیاسی و نظامی جدیدی را که قزلباش نامیده می‌شد، تأسیس کرد. این تشکیلات سرانجام در توسعه‌ی فرهنگی خاص خود به بالاترین نقطه در هنر نایل شد.

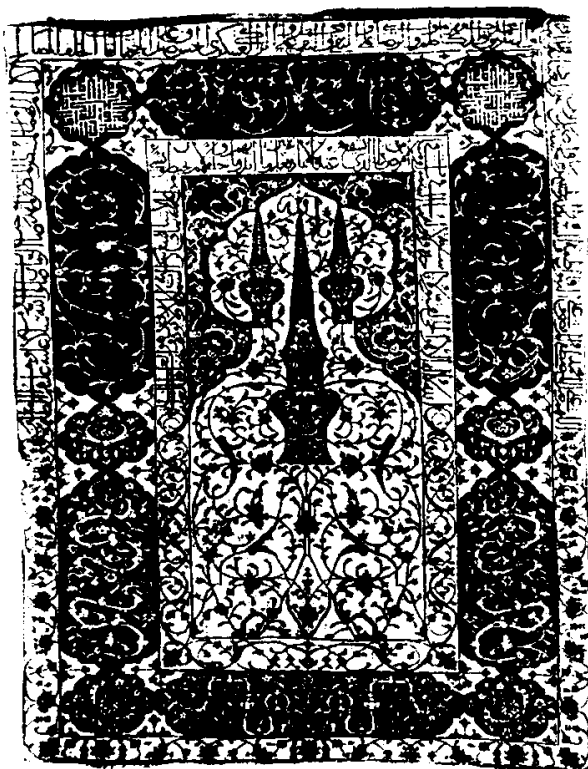
مذهب در دوران صفوی نقش مهمی در روند مطالعه فرهنگ و هنر دارد. عناصر شیعی ناگهانی و بدون سلسله مراتب هنری به وجود نیامدند. در زمان حاکمیت صفویان ارتباط بین هنر و قوانین دینی به خوبی پایه‌گذاری شده بود. در این دوران متون خطی مصور، بناهای معماری و مصنوعات هنری همگی بازگو کننده‌ی عناصر شیعی است که از ویژگی‌های این عصر به شمار می‌رود. حکومت صفویه از سال ۹۷۴/۱۵۴۰ ساختار هنری ایران را دگرگون کرد. این حرکت تحت‌نظر شاه تهماسب آغاز و در خلال تحولی ریشه‌دار و اساسی توسط شاه عباس تکمیل شد.

هنرمندان ایرانی به بسیاری از مهارت‌های نوین و مقوله‌های کیفی دست یافتند. کتیبه‌های تزئینی در بناهای تاریخی آن دوران چنان ساخته و پرداخته شدند که پیش از آن هرگز سابقه نداشتند و تا امروز چیزی در کشور به وجود نیامده که بتواند با آن قابل قیاس باشد. هنر نقاشی و طراحی زیر نظر موشکافانه‌ی بهزاد، آقا میرک، سلطان محمد و رضا عباسی در رنگ، زیبایی و توازن خط به کمال مطلوب رسید. معماری ایرانی-اسلامی در این دوره آوازه‌ی خود را حتی فراتر از مرزهای ایرانی گسترده. خوشنویسی و خطاطی قدم به یکی از دوره‌های پر رونق شکوفایی خویش گذارد. همچنین صنایع دستی در شاخه‌های گوناگون رشد چشمگیری یافت و نمونه‌های در خور توجهی در تاریخ هنر ایران از خود برجای گذاشت. از عوامل اساسی این شکوفایی و رونق هنرها همدوستی و از آن مهم‌تر هنرمندی برخی سلاطین صفوی است. همچنین نگرش مثبت علمای دین و بزرگان تشیع به مقوله هنر تأثیر مهمی در گرایش هنرمندان به مضامین مذهبی داشته است.

در این مقاله قصد داریم با بررسی جایگاه و وضعیت دو هنر فلزکاری و قالی بافی در عصر صفوی به بررسی نمونه‌هایی از این هنرها در این دوران بپردازیم که در آنها از خط نگاره‌های مذهبی استفاده شده است.

## کاربرد خط نگاره‌ها در هنرهای قالی بافی و فلزکاری دوران صفویه

در میان همه هنرها، خوشنویسی را می‌توان مهم‌ترین نمونه‌ی تجلی روح اسلامی به شمار آورد. خود قرآن بارها بر اهمیت نوشتن، تأکید کرده است.<sup>۱</sup> قرآن مجید با کلمات آسمانی درباره‌ی نوشتن و خواندن آغاز می‌شود. خوشنویسی، هنری است که بی‌اغراق می‌توان آن را هنر گوهرین اسلامی خواند.<sup>۲</sup>



تصویر ۱

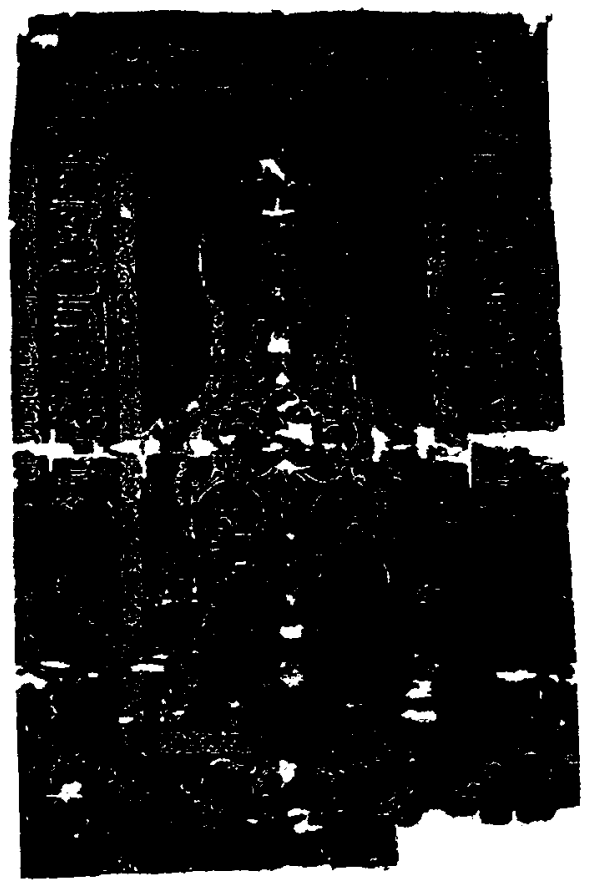


تصویر ۲



تصویر ۲

تصویر ۲



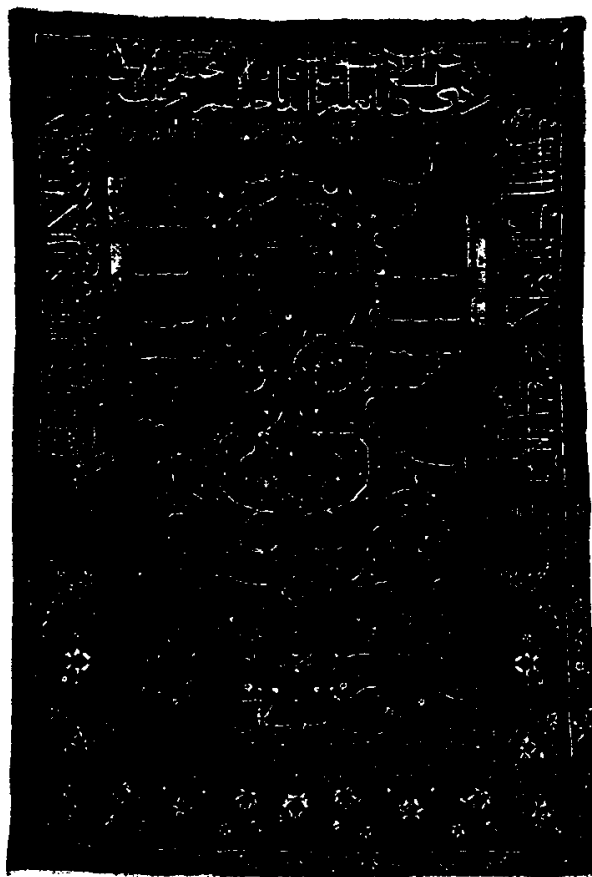
بدین ترتیب در اسلام، خط و نوشتن منشأ قدسی دارد و خوشنویس قرآن و احادیث، هنری الهی است. برخی معتقدند که بعضی خصوص مذهبی با خط عربی همسانی دارد و حضور روحانیت، عنصری بارز نگارش است.<sup>۱</sup>

اما یکی از مقاومترین ابزارهای دست ساز انسان که می‌تواند نقش «کمک حافظه» و ذخیره‌ساز اطلاعات را ایفا نماید، ابزار فلز بوده که پس از مدت زمانی از دست یافتن انسان به روش و ساز کارهای مربوط به آن، وارد این عرصه شد. بی‌شک در ابتدا تصاویر خطوط مستقیم، منحنی و شکسته زاویه‌دار در مرحله اول زبان ترسیب مورد استفاده قرار گرفته‌اند. استفاده از خط در آثار فلزی در ایران بیش از دوره‌ی هخامنشی به بعد مرسوم گردیده و رونق یافته است. داریوش با ضرب سکه برای اولین بار، بهره‌گیری از خط در فلز را نیز را نموده بنابر این «سکه» اگر اولین جایگاه خط در فلز نباشد، از نخستین جایگاه‌های اصلی آن است. در واقع هنر قلمزنی بر روی فلزات و هنر خطاطی و خوشنویسی در این مرحله با هنر فلزکاری آمیخته شد و آمیزه‌ای از هنرهای تزئینی و کاربردی، آثار جاودانی را در زمینه‌ها فلز برای گذاشته است. ظروف غذا، مشربیه‌ها، ابزار رزم و شمشیر شمعدان و چراغ، بخوردان و عودسوز، سنگاب و لوازم آبخوری، گلاب‌دار قلمدان، کلید و درب و انواع ابزار و ادوات جنگی فلزی به تدریج جایگاه‌هایی برای خطوط گوناگون گردیدند. اموال فلزی مخصوص مساجد و مدارس و ابنیه‌ی عمومی که عمدتاً براساس سنت حسنه و تهبیه می‌گردید و نیز ابزار فلزی حکومتی و مخصوص دارالحکومه و امر و خلفاء و سلاطین نیز از جمله جایگاه‌های خط نگاره بر فلزاتند. اشراف ثروتمندان و نیز بازرگانان و افراد ذی‌نفوذ در هر زمان که ظروف خاص را سفارش می‌دادند، حداقل با کتیبه‌ای بر آن، نام خود و تاریخ اثر و احیا سازنده‌ی آن و در صورت امکان شعر یا حدیث یا ضرب المثل‌ی مربوط به کاربرد آن را دستور حکاکی و قلمزنی صادر می‌کردند. به تدریج استفاده از نقوش هندسی عرفانی همچون شمسه و ستاره‌های هشت پر و شانزده پر و نقوش گیاهی و گل و برگ و اسلیمی در کنار خط نگاره‌های زیبا، جلوه خاصی به هنر فلزکاری بخشید و بیشتر از دوره‌ی سلجوقی به بعد، استفاده از نقوش پرنندگان، حیوانات و حتی انسان در فلزکاری معمول گردید و حتی ظروف فلزی را در هیئت جانداران گوناگون تهیه کردند.

اولین خطی<sup>۲</sup> که در فلزکاری‌های دوران اسلامی ایران به کار رفته، خط کوفی است که بر روی آثار قرون اولیه حکاکی شده است. سفارش اولیاء دین بر استفاده از خط نیکو و برشمردن حسنات آن در این رابطه تأثیر مستقیم داشته است.

به لحاظ جایگاه ساختارخط در فلزکاری، می‌توان گفت جای مشخصی را در همه‌ی ظروف و ابزار به خود اختصاص نداده‌است اما این نکته را در اکثر آنها می‌توان یافت که خط نگاره‌ها به صورت منظم و موازی یا براساس اصول و شیوه‌های خط نگاری زمان، قلمزنی می‌شده‌اند. علاوه بر فرهنگ اسلامی، فرهنگ ایرانی نیز در خط نگاره‌ها تأثیر خود را نشان داده‌اند و بدین ترتیب به جز مضامین مذهبی، آیات





تصویر ۷

محرابی است که در قسمت فوقانی خود سه قندیل زیبا را به نحوی که یکی در وسط و بزرگتر از دو قندیل طرفین می‌باشد، در خود جای داده است. همچنین محراب آن با سایر محراب‌ها متفاوت بوده دارای پیچ و خم‌های زیبایی است و از حالت گنبدی ساده بیرون آمده است.

این قالیچه که در اوایل سده‌ی هفدهم / یازدهم در ایران بافته شده و اندازه آن ۱۵۷×۱۱۹ سانتی‌متر مربع می‌باشد، در موزه‌ی تویقاپی‌سرای استانبول نگهداری می‌شود.<sup>۱۱</sup> نوشته‌های قالیچه هم فقط در حاشیه‌ها قرار گرفته‌اند. به جز کلمه مقدس «الله» که به طرز زیبایی در قسمت فوقانی متن و بالای قندیل نقش بسته است.

در حاشیه‌ی بزرگ تنها در فوقانی‌ترین قسمت دو گل دوازده پر دو ستاره‌ی هشت‌پر را دربر گرفته‌اند که با خط کوفی معقلی عبارات: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَوَلِيُّ اللَّهِ، را در بر دارند. در حاشیه‌ی کوچک بیرونی در بالا، دعا و صلوات بر چهارده معصوم به خط و عبارت عرب نقش بسته است<sup>۱۲</sup> و در حاشیه‌ی درونی کوچک، آیه‌الکرسی در قسمت فوقانی قالی به صورت ناقص نوشته شده است.

در تصویر شماره ۲ قالیچه‌ی محرابی از دوره‌ی صفویه دیده می‌شود. این قالیچه که در موزه‌ی قالی ایران نگهداری می‌شود دارای خط‌نگاره‌ی قرآنی است که در اطراف ترنج نارنجی رنگی که جای سجده را شکل

می‌دهد، قرار گرفته است. مضمون این کتیبه آیه‌الکرسی است که پس از عبارت اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ نوشته شده و پس از آن «صَدَّقَ اللَّهُ الْكَرِيمِ» متن آیه را بسته است که حکایت از تغییرات و شدن گرایش‌های مذهبی اواخر صفویه دارد.

داخل ترنج فوق‌الذکر ترنج کوچک‌تری شبیه شش ضلعی، د قندیل سه شاخه را در بالا و پایین در بر گرفته است. در لایه‌ی اول ترنج بزرگ‌تر که می‌تواند نقش زجاج و حباب شیشه‌ای آویخته در محراب را داشته باشد، دور آن در محوری منحنی شکل به خط نسخ دعای نادعلی<sup>۱۳</sup> نقش بسته است و در ترنج میانی عبارت «يَا اللَّهُ مُحَمَّدًا يَا عَلِيَّ» بافته شده است.

از حاشیه‌ی آن نوشته‌ای قابل قرائت نیست اما نقش گره جاودانه به صورت متناوب در حاشیه قابل مشاهده است. نقش محراب شکسته زاویه‌دار است و در دو لچک بالایی که تنها قسمت مکتوب قالی است با خط ثلث، عبارت «عَجَلُوا بِالصَّلَاةِ قَبْلَ الْمَوْتِ» نقش بسته است این جملات به صورت متقارن در طرفین فوقانی محراب یکی از راست به چپ و دیگری از چپ به راست نقش بسته‌اند و عبارت «عَجَلُوا بِالتَّوْبَةِ قَبْلَ الْمَوْتِ»، در طرف راست که شروع خواندن از آن طرف است آمد است. در وسط قالیچه در طرفین، دو منبر نه پله‌ای با دو مادنه دید می‌شود. در مرکز محراب نیز در بالای یکی از قندیل‌ها ستاره‌ای هشت‌پر با اسم «جواهر محمد» وجود دارد. نقش‌مایه‌های نمادین و عرفانی متعددی نیز در متن مشاهده می‌گردد.

دو قالیچه گلدانی که هر دو مربوط به سده‌ی هفدهم / یازدهم هستند از این دوره موجود است. این دو قالیچه در طرح با هم تفاوت‌هایی دارند اما نوشته‌های آن‌ها و محل نوشته‌ها در ساختارشان یکی است. یکی از این دو قالیچه، قالیچه‌ی محرابی معروف به سجاده‌ی سالتینگ است که دارای ابعاد ۱۱۲×۱۶۰ بوده<sup>۱۴</sup> و در موزه‌ی تویقاپی‌سرای استانبول نگهداری می‌شود (تصویر ۳)

در قسمت محراب این قالیچه فی مابین حاشیه‌ی کوچک درونی و نوار جداکننده‌ی متن از محراب آیه ۲۳ سوره‌ی حشر<sup>۱۵</sup> تا قسمتی که اسماء الهی است در قسمت راست فوقانی قالی سپس چپ فوقانی اسماء الله در قاب‌های متقارن با رنگ‌های مختلف نوشته شده است. در کتیبه سه پره‌ای که در بالای متن و زیر نوار محراب و جای سجده قرار دارد، «اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا» در دو سطر به زیبایی نقش بسته است. در حاشیه‌ی بزرگ قالیچه آیه‌الکرسی در سه کتیبه در دو نیمه‌ی فوقانی حاشیه و قسمت بالای قالی بافته شده است و در ابتدا و انتهای هر کتیبه جمعا چهار گل دوازده پر هر کدام قابی از حروف معقلی را به نوشته‌ی: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَوَلِيُّ اللَّهِ در بر گرفته‌اند در حاشیه کوچک بیرونی آن ابتدا آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نمل<sup>۱۶</sup> نوشته شده است در ادامه‌ی آن آیه‌ی ۸۳ سوره انعام<sup>۱۷</sup> و سپس در پی آن آیه‌ی دعا و حمد الهی و در ادامه عبارت «الشُّكْرُ تَذْوُمُ النِّعَمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» مکتوب گردیده است. در حاشیه‌ی کوچک درونی در قسمت فوقانی آیه‌ی ۳۵ سوره نور<sup>۱۸</sup> تا نیمه‌ی آیه نقش بسته است و در نوار جداکننده‌ی متن از محراب آیات ۸۰ و ۸۱ سوره‌ی اسراء<sup>۱۹</sup>

نوشته شده است.

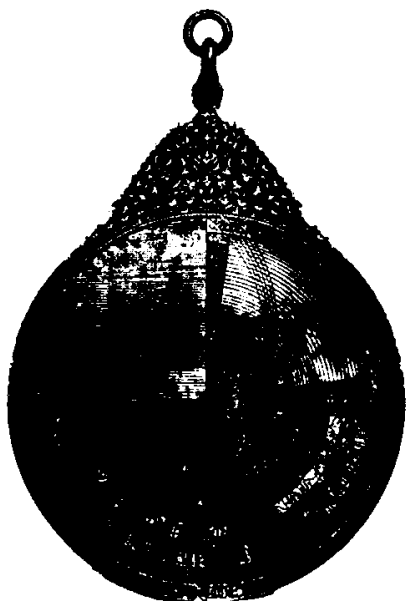
قالیچه‌ی محرابی کاشان (تصویر ۴) نمونه بعدی است که اکنون در موزه‌ی ایران باستان نگهداری می‌شود و تاریخ آن به سال ۱۰۱۰ شمسی می‌باشد. این قالی زمینه‌ای لاک‌ی و حاشیه‌ی بزرگ یا پهن سرمه‌ای دارد، در زمینه دارای ترنجی است که با سر ترنجی به سمت بالای قالیچه انتخاب جهت شده و دو لچک متصل فوقانی قالیچه را به صورت طرح محراب درآورده است. مضمون نوشته‌ها مذهبی و عربی است و عموماً در نیمه‌ی بالای قالیچه که جای ایستادن نیست، قرار گرفته‌اند. این قالیچه دارای تار و پود ابریشمی با الیاف نقره‌ای است (سیم‌بافت یا نقره‌بافت) که در چند قسمت آسیب دیده، اما شاکله‌ی کلی آن حفظ شده است.

در لچک‌های بالای قالیچه، در بالای متن، با رنگ آبی اسماء الهی بدین شرح نقش بسته است<sup>۱۸</sup>: در نوار سفید رنگ جداکننده‌ی متن از محراب، با خط مشکی آیه ۴۰ و ۴۱ سوره ابراهیم<sup>۱۹</sup> آمده است. در زیر نوار محراب و در جای سجده، در قسمتی قندیل مانند ذکر سجده به رنگ سفید در متنی سورمه‌ای رنگ نوشته شده است: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ. در حاشیه بزرگ سورمه‌ای رنگ، با خط ثلث به رنگ سفید آیه‌الکرسی (آیه ۲۵۵ سوره بقره)<sup>۲۱</sup> نوشته شده است. قبل و بعد از آیه‌الکرسی در همین حاشیه در دو مربع با متنی لاک‌ی به رنگ سفید با خط کوفی معلق عباراتی نوشته شده که به نظر شهادتین و اعتراف به وحدانیت خداوند و پیامبری حضرت محمد (ص) و ولایت حضرت علی (ع) می‌باشد. در حاشیه کوچک بیرونی قالیچه در متنی لاک‌ی رنگ با متن سفید آیات ۲۸۶-۲۸۵<sup>۲۲</sup> از سوره مبارکه بقره قرآن مجید، آورده شده است.

به احتمال زیاد بافت این فرش کار بافندگان کاشانی در کارگاه سلطنتی تبریز است و حدوداً ۳۵ سال بعد از قالی اردبیل (مقصود کاشانی) بافته شده است.

قالیچه‌ی محرابی زربفت موزه‌ی متروپلیتن نیویورک به تاریخ ۱۰۱۶/۱۶۷۰ نمونه‌ی دیگری است که متنی لاک‌ی رنگ دارد و نقشی محرابی که در بالا به دو قسمت تقسیم شده است و در حاشیه‌های آن و نیز قسمت محراب همچون قالیچه‌های قبلی در نیمه‌ی بالایی قالیچه که جای ایستادن نیست با خط عربی و حد اقل در سه نوع کوفی، نسخ و ثلث مضامینی دینی به نگارش در آمده است. (تصویر ۵)

در حاشیه‌ی باریک بیرونی، مشابه قالیچه‌ی جانماری موزه ایران باستان، آیات ۲۸۶ و ۲۸۵ سوره بقره که ثواب نماز شب دارد و بعد از نماز عشاء قرائت می‌گردد، نقش بسته است. در حاشیه‌ی باریک سبز رنگ اطراف متنی، با خط نسخ سفید رنگ، آیات ۲۰۳ و ۲۰۴ و ۲۰۵ سوره‌ی اعراف<sup>۲۳</sup> بافته شده است. در بالای متن و بین محراب و حاشیه در لچک‌ها، در ۲۴ قسمت که در طرفین گنبدی محراب نقش متقارنی دارند اسامی متبرک الهی در قاب‌های مختلف با رنگ‌های متعدد نوشته شده که از جمله: الرؤف الغفور، القوی المتین، حی القیوم، الباقی الوارث، الاحد الاکمل، الکریم المجید، الحق الوکیل، الرشید الصبور می‌باشد. در نوار دور تا دور محراب آیه ۲۲ سوره حشر و عباراتی همچون: لا اله

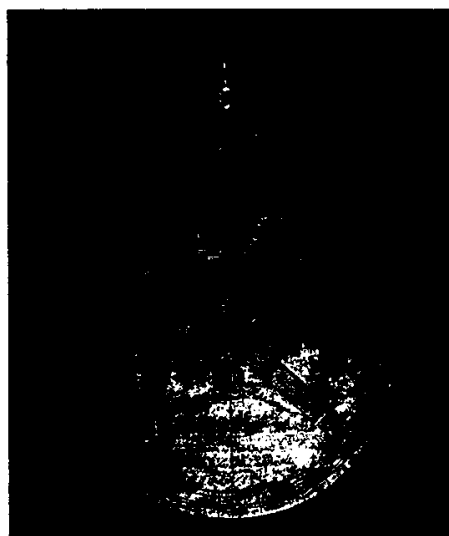


تصویر ۸

تصویر ۹



تصویر ۱۰



الا الله، محمد رسول الله، على ولي الله، العليم، العظيم، الغفور، الشكور، الحفظ نوشته شده است.

در کتیبه‌ی سورمه‌ای رنگ سر محراب، با رنگ سفید ولی به طرف متن قالیچه عبارت «الله اکبر کبیراً» نقش بسته است. قالیچه دوم محرابی گلدانی (تصویر ۶) که محل بافت آن شمال غربی ایران عنوان گردیده، در اوایل سده‌ی هفدهم/یازدهم بافته شده و اینک در موزه‌ی دولتی ترکیه نگهداری می‌شود. تنها تفاوتی که در نوشته‌ها مشخص گردید، در حاشیه‌ی کوچک بیرونی در این قالیچه در ادامه‌ی آیه ۸۳ سوره انعام، قسمتی از آیه ۸۴ سوره انعام نیز نوشته شده و در عوض عبارت دیگری که در قالیچه سالتینگ (قبلی) بود حذف گردیده است. قالیچه‌ی محرابی زرباف از کلکسیون خانم پاراوینچی (تصویر ۷) از نمونه‌های بعدی قابل مطالعه است. اندازه آن ۶۲×۱۰۷ سانتی‌متر و تاریخ آن اواخر سده‌ی شانزدهم/دهم و محل بافت آن شمال غربی ایران اعلام شده است.<sup>۲۵</sup>

قالیچه‌ی محرابی مذکور که به لحاظ طرح محراب از گروه سه قالیچه قبلی است، دارای ویژگی‌هایی نسبت به آن‌ها می‌باشد که عمده‌ی آن بهره‌گیری از اسلمی و اسپرال‌های قوی‌تر و مشخص‌تر در متن قالیچه است که زیبایی خاصی به آن داده است. همچنین دو قاب از چهار قاب دارای خط کوفی معقلی آن در قالب هشت ضلعی آزاد و در حاشیه‌ی بزرگ جلوه‌ی زیباتری به حاشیه داده است.

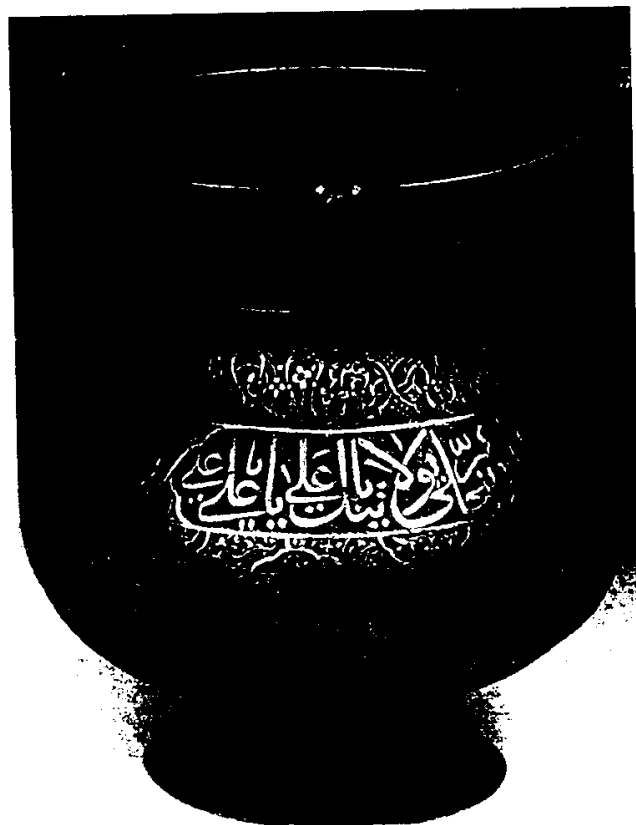
آیات و مضامین مذهبی در قسمت بالای فرش که جای ایستادن نیست در حاشیه‌ها و قسمت محراب طرح به شرح ذیل نقش بسته‌اند: در حاشیه‌ی کوچک بیرونی مثل قالیچه‌های قبل، آیات ۲۸۵ و ۲۸۶ سوره‌ی بقره نوشته شده است. در حاشیه‌ی بزرگ آیه‌الکرسی در سه کتیبه در دو نیمه‌ی بالایی حاشیه و قسمت فوقانی آن نقش بسته است. در ابتدا و انتهای آیه دو ستاره‌ی هشت‌پر با نوشته‌ای به خط کوفی معقلی به طرز زیبایی وجود دارد و در بالاترین نقطه حاشیه‌ی بزرگ در دو طرف فوقانی دو قاب با نوشته‌ی کوفی معقلی با رنگ متنی حاشیه (برخلاف دو ستاره‌ی هشت‌پر) به چشم می‌خورد. احیاناً سه جمله: لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله در هر چهار مورد وجود دارد. در حاشیه‌ی درونی کوچک مثل قالیچه‌ی شماره یک، آیات ۸۰ و ۸۱ سوره‌ی اسراء<sup>۲۶</sup> نوشته شده است. در قسمت فی مابین محراب و حاشیه‌ی درونی و در دو طرف به صورت متقارن ۲۴ قاب وجود دارد که در آن‌ها اسماء الله نوشته شده است که نمونه آن: اللطیف، العظیم، الباسط، الرافع، الحی القیوم، المؤخر المقدم می‌باشد. در نوار دور محراب که متنی را از قسمت فوقانی محراب جدا می‌کند آیه ۴۰ و ۴۱ سوره ابراهیم<sup>۲۷</sup> بافته شده است. در کتیبه‌ی بالای متن و زیر محراب عبارت «الله اکبر» نقش بسته است.

#### خط نگاره‌های فلزکاری دوره صفویه:

برخلاف قالی‌های باقی‌مانده از دوره‌ی صفویه، آثار فلزکاری بازمانده از آن دوران عمدتاً همراه با نوشتارند، با این توضیح که گستردگی زیادی ندارند و نوشتارها بعضاً در حد کتیبه‌ای مشتمل بر نام هنرمند و سال

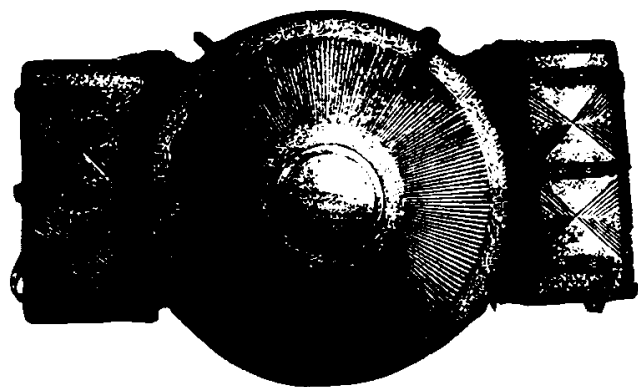


تصویر ۱۱



تصویر ۱۲

تصویر ۱۳



ساخت یا مالک آن اثر است. مضامین مذهبی و به خصوص آیات قرآنی در آنها بسیار کم دیده می‌شود. در اینجا ۹ نمونه از آثار فلزکاری دوره صفویه با مضامین مذهبی بررسی می‌شود.

اصطربلاب برنجی قلمزنی شده از موزه آستان قدس رضوی اولین نمونه از این گروه است (تصویر ۸). این اصطربلاب مزین به نقوش اسلیمی دارای پنج صفحه برنجی مربوط به شهرهای مختلف و یک صفحه عنکبوتی است که در سرلوحه آن «آیه‌الکرسی» قلمزده شده است. برطبق کتیبه‌های: «صُنِعَهُ أَقْلُ الطَّبَعَةِ عَبْدِ الْعَلِيِّ» و «نَمَقَهُ أَقْلُ أَطْلَبَهُ مُحَمَّدٌ بَاقِرٌ» سازنده آن «عَبْدُ الْعَلِيِّ» و خطاط آن «مُحَمَّدٌ بَاقِرٌ» است. این اصطربلاب مربوط به قرن هجدهم/دوازدهم است و قطر صفحه‌ی مادر آن ۱۸/۵ سانتی‌متر است.<sup>۲۸</sup>

اصطربلاب دیگری نیز از این دوره بر جای مانده (تصاویر ۹ و ۱۰) که بر نیم ترنج بالای صفحه‌ی جلوی آن آیه‌ای از قرآن با مضمون "الشمس تجری المستقر لها ذلک بقدر العزیز العظیم والقمر قد... منازل حتی عاده العرجون القديم. الشمس ینعی لها ان تدرک القمر و لا اللیل سابق النهار کل فی فلک یسبحون" نوشته شده است. در صفحه‌ی پشت این اصطربلاب نیز آیه‌ی "انا زینا السماء الدنیا بزینة الکواکب ولقد جعلنا فی السماء بروجاً و زیناها للناظرین" به صورت متقارن و در نیمه‌ی پایینی صفحه نقش بسته است. در وسط نیز یک بیت شعر با مضمون:

"چيست اين سقف بلند ساده بسیار نقش

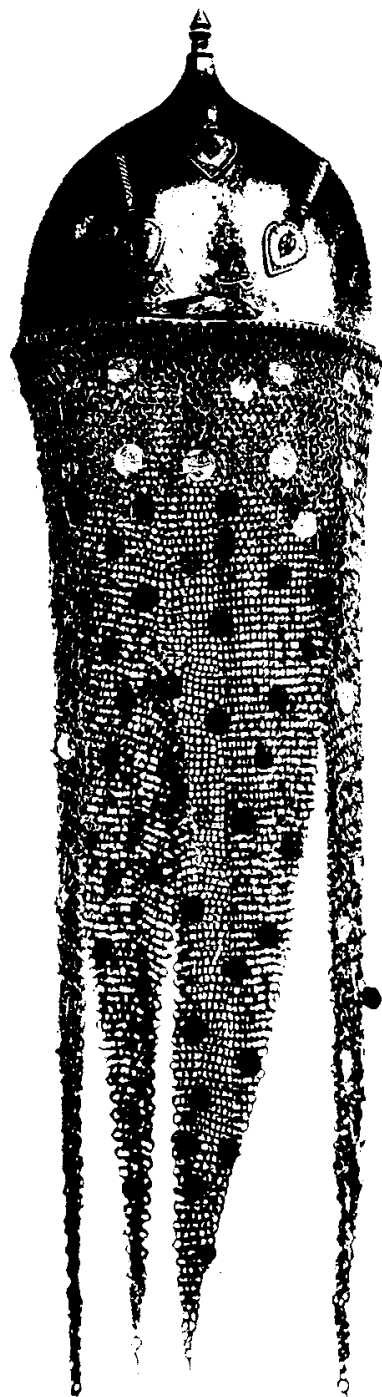
زین معما هیچ دانا در جهان آگاه نیست".

قرار گرفته و بر بالای این بیت نام سازنده آن ذکر شده است.

جام چهل کلید (چهل بسم الله) (تصویر ۱۱) نمونه بعدی است. این گونه جام قبل از صفویه وجود نداشته و در این دوره برای تقال و طالع بینی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. بر لبه‌ی باریک جام، سوراخ ریزی وجود داشته که چهل قطعه‌ی کوچک و باریک مستطیل شکل برنجی که کلمه‌ی «بسم الله الرحمن الرحیم» بر هر یک از آنها حکاکی شده، در بندگی به صورت کلاف با یک سوراخ قرار گرفته است. در لبه سطح خارجی جام نام چهارده معصوم (ع) به خط ثلث با هشت کتیبه‌ی مجزا از یکدیگر نقش بسته است که هشت دایره‌ی کوچک مزین به خطوط اسلیمی این کتیبه‌ها را از هم جدا ساخته است.

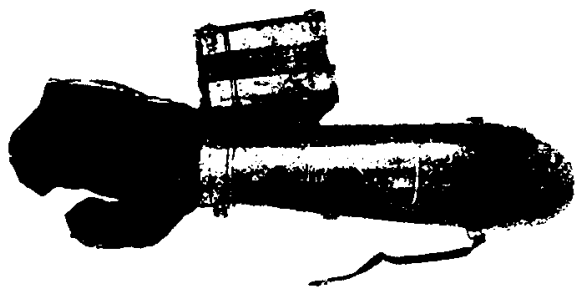
سطح خارجی ظرف با اعداد و حروف سحرآمیز و طلسمات که طالع بینان به اسرار آن آگاهی داشتند، پوشیده است و میان ۸ کتیبه‌ی مستطیل شکل که در بین هشت دایره ترسیم شده، دعای «نادعلی» به خط نستعلیق نقش بسته است. بر سطح ۸ دایره‌ی بزرگتر که بر جدار خارجی جام نقش شده، سوره‌های فلق، اخلاص، کافرون و بقره با خط نسخ کنده‌کاری شده و با شعارهای تشیع در مدح محمد(ص) و علی (ع) به صورتی زیبا قلمزنی گردیده است. این جام در موزه‌ی ویکتوریا و آلبرت لندن نگهداری می‌شود.<sup>۲۹</sup>

نمونه‌ی دیگری که در اینجا بررسی می‌شود قندیل برنجی است که از خراسان به دست آمده و دارای ارتفاع ۱۸ سانتی‌متر و قطر دهانه‌ی ۱۴/۵ سانتی‌متر است. (تصویر ۱۲) این قندیل دارای کتیبه‌های بسیاری است که به خط ثلث قلمزنی شده‌اند. قسمت زیرین لبه، سطح بدنه،



تصویر ۱۴

تصویر ۱۵







است. در مرکز مستطیل داخلی جلد نیز عبارت "افتح یا مفتح الابواب" در یک ترنج با خط نستعلیق نوشته شده است.

از نمونه‌های اشیاء فلزی کتیبه دار دوران صفوی با مضامین قرآنی این چند نمونه جهت بررسی انتخاب گردید که به آنها پرداخته شد.

### نتیجه‌گیری:

در بررسی جایگاه آیات قرآنی در قالی‌ها و اشیاء فلزی دوره صفویه ابتدا جایگاه خط نگاره‌ها در هنرهای سنتی به ویژه هنر قالی‌بافی و فلزکاری بررسی شد و پس از اشاره به چگونگی هنر قالی‌بافی در عصر صفویه نمونه‌هایی از قالی‌ها و اشیاء فلزی یافت شده که دارای خط نگاره‌هایی با مضمون قرآنی بودند، مورد بررسی قرار گرفت. نمونه‌های ارائه شده قالی ۷ مورد و فلز ۹ مورد است. به طور کلی تعداد قالی‌های دارای خط نگاره در دوران صفویه نسبت به کل قالی‌های موجود از این دوره محدودتری وجود دارد که در آنها آیات قرآنی به کار رفته باشد. در

مورد فلزکاری نیز همین طور است. یکی از دلایل این مسئله می‌تواند تقدس و ممنوعیتی باشد که در مورد هر گونه لمس آیات قرآن اعم از نشستن و ایستادن روی قالی یا استفاده از اشیاء کاربردی فلزی دارای خط نگاره قرآنی، وجود دارد. از این رو اغلب قالی‌هایی که در آنها آیات قرآنی یافته شده، یا قالی‌های موقوفه بوده و یا قالیچه‌های سجاده‌ای و تزئینی که امکان لمس آنها توسط افراد بی‌وضو کمتر بوده است بنابراین قالی‌های دارای خط نگاره قرآنی در این دوره از نوع قالیچه است. در اشیاء فلزی نیز بیشتر در دسته‌ای از آنها آیات قرآنی به کار رفته که کاربرد خاصی داشته‌اند و عموماً برای مقاصد آیینی و مذهبی و یا در مواقع خاص به کار رفته‌اند. محتوای آیات به کار رفته در هر دو گونه (قالی و فلز) را بیشتر حجم و اهمیت کاربردی آیه از هر نمونه تغییر کرده است از این رو هنرمند بیشتر از سوره‌های کوچک جزء سی‌ام قرآن و آیه‌الکرسی و آیات کوتاه که پیامی در خود دارد استفاده کرده است. در قالی این پیام اغلب مواردی چون سفارش به اقامه نماز و به جای آوردن وظایفی چون دادن زکات و خمس را در برمی‌گیرد. در آثار فلزی محدودیت فضایی از این هم بیشتر است به همین دلیل گاهی از بخشی از آیات استفاده شده است. مضامین قرآنی به کار رفته در این گونه آثار شامل سوره‌های جزء سی‌ام که به فضای کمتری جهت نگارش و حکاکی نیاز دارند و از آیه ۳۴ سوره نور با اشاره به سنخیت کاربرد آثار روشنایی فلزی با مضمون سوره و آیه‌الکرسی در ادوات جنگی و مذهبی با توجه به اثر اعجازگونه قرائت و کتابت این بخش از آیات سوره بقره که بالطبع آرامش و سکینه‌ی روح استفاده کننده را به همراه دارد هم‌چنین سوره فتح بر درهای فلزی چون قاب آینه‌دار که اشاره به بازگشایی و توانایی در گشودن درهای بسته دارد.

اما آنچه مسلم است به کارگیری خطوطی چون کوفی و نستعلیق در قالی‌ها و اشیاء فلزی دوران صفویه برای نگاشتن آیات قرآنی بسیار نادر است و این شاید به دلیل دشواری در بافت آن بر روی قالی و حکاکی آن بر روی فلز باشد.

### پانویس‌ها:

۱- تمدن اسلامی باخط گسترش یافت و کشورهای مسلمان و از جمله ایران را تحت پوشش قرار داد. در بیشتر مواردی که در این زمینه‌ها بحث شده، تکامل خط، ناشی از ضرورت‌های تولیدی، تجاری و اداری بوده است اما در مورد اعراب، این انگیزه ناشی از پیشرفت مادی نبوده، بلکه مستقیماً از ظهور اسلام در نیمه‌ی نخست قرن هفتم/اول نشأت گرفت. آیات قرآن که از سوی خداوند یکتا بر محمد (ص) نازل و با حرمتی خاص توسط پیروان نوشته می‌شد، باید بدون کوچک‌ترین تغییری ثبت و آموخته می‌شد. بدین ترتیب در نیمه‌ی دوم قرن هفتم نوعی دگرگونی بینشی و ناگهانی پدید آمد و خط در زندگی مردم این منطقه اهمیت یافت.

۲- آنه‌ماری شیمیل. خوشنویسی اسلامی، ترجمه‌ی مهناز شایسته‌فر، موسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران: ۱۳۸۰، ص ۱۱.

۳- ریچارد اتینگ هاوزن. اوج‌های درخشان هنر ایران، ترجمه‌ی هرمز عبداللهی و رویین پاکباز، تهران: نشر آگاه، ۱۳۷۹، ص ۱۹۳.

۴- علاوه بر نسخ خطی، کتیبه‌های روی اشیاء مختلف نه فقط نمونه‌های زیبایی در خوشنویسی به دست می‌دهند، بلکه چون منابع تاریخی نیز به کار می‌آیند. کافی است به چراغ‌های کتیبه‌دار مساجد و دیگر اشیاء فلزی یا چوبی اشاره کنیم. هم‌چنین در مورد منسوجات، که در آنها طرازهای سوزن دوزی شده از کلمات قصار مذهبی، نام چهارده معصوم یا دوازده امام (ع) کم نیستند. نوشته‌های تاریخی یا شاعرانه یا آیات روی قالی‌ها یا اییات زیبای نگاشته شده روی روکش گورها نیز اگر دقیقاً بررسی شوند، از منابع مهم تاریخ فرهنگ به شمار می‌آیند. ریچارد اتینگ‌هاوزن، اوج‌های درخشان هنر ایران، پیشین، صص ۶-۲۰۵.

۵- ج. کریستی ویلسون. تاریخ صنایع ایران، ترجمه‌ی عبدالله فریار، تهران: انتشارات فرهنگسرا، بی‌تا، ص ۷۸.

۶- تا پیش از دوره اسلامی، در تزئین آثار فلزی بیشتر از نقوش و تصاویر انسانی و حیوانی و گیاهی استفاده می‌شد و استفاده از خط به دلائلی از قبیل کم توجهی به سوادآموزی و غیره کمتر معمول بود اما با حضور فرهنگ اسلامی در ایران که بر سوادآموزی و طلب علم، تأکید داشته و وجوب آن‌را به شدت مطرح نموده است و از طرفی مجسمه سازی و برجسته‌کاری نقوش جانداران را مد نظر نداشته است باعث می‌گردد که اصولاً نقش خط تقویت گردیده و به تدریج کاربرد تزئینی نیز پیدا کند.

۷- آنه ماری، شیمیل، خوشنویسی اسلامی، پیشین، ص ۱۲.

۸- دوران صفویه، دوران تحول و شکوفایی در برخی از هنرهای بومی و سنتی ایران و تقویت نقش هنرمندان و صاحبان ذوق و قریحه است. تا پیش از دوره‌ی صفویه هنر قالی‌بافی در اکثر نقاط ایران به قالی‌های غیر شهری و غیر رسمی و عمدتاً ایلیاتی و درجه دو و سه محدود می‌شد و تنها برای دربار سلاطین که از قالی‌های نفیس و فاخر پوشیده می‌شد، کارگاه‌های مقطعی و موقت قالی رسمی و درباری برپا می‌گردید. شاهان صفوی که بعضاً همچون شاه اسماعیل و شاه طهماسب، خود هنرمند بودند، سعی زیادی در رشد و شکوفایی هنرها و

به‌ویژه قالی و معماری و هنر نساجی و هنرهای وابسته به آن‌ها داشتند و این امر را به‌عنوان مکمل فرایند تقویت قدرت و نفوذ خود در داخل و خارج مورد توجه قرار می‌دادند. درخصوص هنر قالی‌بافی به‌طور عمده این حرکت از دوران حکومت شاه طهماسب که پنجاه سال حاکمیت داشت آغاز شد، او که براساس برخی از گزارش‌ها در طراحی و رنگرزی قالی نیز دستی داشت، با حمایت از هنرمندان قالی، به رواج قالی‌های نفیس و طرح‌های گردان اعم از قالی مخمل کمک زیادی کرد، در این زمان این قبیل قالی‌ها در چند نقطه مشهور کاشان، هرات، تبریز، جزین، همدان، کرمان و مشهد بافته می‌شد. هم‌چنین در این دوره با اهداء قالی‌های ایرانی نفیس به سلاطین همسایه توسط شاه طهماسب موجبات معرفی قالی ایران به دیگر کشورها نیز فراهم گردید. دبلیو. ر. فریه. هنرهای ایران، ترجمه‌ی پرویز مرزبان، تهران: نشر پژوهش فرزبان، ۱۳۷۴، ص ۱۲۳.

۹- اولین نمونه خوشنویسی به جای مانده در قالی، به خط کوفی است. خط کوفی بنا به هم‌نشینی کاملی که با گل و بوته و دیگر اشیاء و طرح‌های تزیینی پیدا کرد، برای قالی، خط مناسبی به نظر می‌رسید. این خط در تزیینات به سه دسته: ساده (مجرد)، تزیینی (که در قالی بیشتر استفاده می‌شود) و بنایی (یا معقلی) تقسیم می‌شود. عبدالله، قاسمی‌نژاد، نقش خط در قالی ایران، فصلنامه پیام قالی، شماره ۲، دانشکده هنر و معماری دانشگاه کاشان، ۱۳۷۹، ص ۱۱۱.

خط کوفی که عمدتاً در حاشیه‌ی قالی‌ها بافته می‌شد، در قالی‌هایی از سده‌های اول اسلامی که از مصر باقی مانده قابل مشاهده است. نیز طبق منابع تاریخی، قالی‌هایی با خط کوفی برای خلفاء توسط ارامنه شمال غرب ایران بافته شده است. در قالی‌های منسوب به آناتولی سلجوقی و نیز در برخی قالی‌های ایرانی از جمله یک قالیچه محرابی باقیمانده از دوران صفویه می‌توان خط کوفی یا مشابه آن را مشاهده کرد. منظور از مشابه، نقش مایه‌هایی است که تحت تأثیر خط کوفی بر نقوش قالی به مرور زمان پدید آمده و بیشتر نقش «گره» و تکرار آن خط کوفی را تداعی می‌نماید.

۱۰- شیرین صوراسرافیل، قالی ایران. تهران: انتشارات یساولی، ۱۳۶۶، ص ۲۶۸.

۱۱- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُصْطَفَى وَ عَلَى الْمُرْتَضَى وَ فَاطِمَةَ الْبِتُولِ وَ السَّبْطِينَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ صَلِّ عَلَى زَيْنِ الْعَبَادِ وَ مُحَمَّدِ الْبَاقِرِ وَ جَعْفَرَ الصَّادِقِ وَ الْمَوْسَى الْكَاطِمِ وَ عَلَى الرِّضَا وَ مُحَمَّدِ التَّقِيِّ وَ عَلَى النَّقِيِّ وَ الزَّكِيِّ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ وَ صَلِّ عَلَى حَجَّتِنَا الْقَائِمِ الْخَلْفِ الصَّالِحِ الْإِمَامِ الْهَمَامِ الْمُتَنْتَظِرِ الْمُظْفَرِ الْمَهْدِيِّ صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتِ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ الطَّاهِرِينَ.

۱۲- نَادِعِيَا مَطْهَرُ الْعَجَائِبِ بَجْدِهِ عَوْنَا لَكَ فِي النَّوَابِ، كُلُّ هَمٍّ وَ غَمٍّ سَيَنْجَلِي بِهِ وَ لَا يَتَكَ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ، نَضْرُ مِنْ اللَّهِ وَ فَتَحَ قَرِيبٌ وَ بَشَرُ الْمُؤْمِنِينَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ خَيْرُ الْبَشَرِ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ.

۱۳- موری، کی آیلند، قالی‌های ساتینگ، فصلنامه «هنرمه» مرداد و شهریور ۱۳۷۹، ص ۶۸.

۱۴- هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ

الْمُهَيِّمُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ترجمه: «اوست خدای یکتایی که غیر او خدایی نیست، سلطان مقتدر عالم، پاک از هر نقش و آرایش، منزّه از هرعیب و ناشایست، امینی بخش (دل‌های هراسان) نگهبان جهان و جهانیان، غالب و قاهر بر همه خلق، با جبروت و عظمت، بزرگوار و برتر، زهی مزه و پاک خدای یکتا از هر چه بر او شریک پندارند.»

۱۵- إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَ أَنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* أَلَا تَعْلَمُونَ عَلِيُّ وَ أَتُونِي مُسْلِمِينَ. ترجمه: «که آن نامه از جانب سلیمان به نام خدای بخشنده مهربان است (\*) (بعد چنین نگاشته است) که بر من برتری مجوئید و تسلیم امر من شوید.»

۱۶- وَ تِلْكَ حَجَّتُنَا آيَاتُنَا آيَاهِمُ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِنْ نَسَائِي أَنْ رِيكَ حَكِيمٌ عَلِيَّةً. ترجمه: «این است حجتی که ابراهیم را بر قومش دادیم ما مقام هر که را بخواهیم بلند می‌گردانیم که خدای تو به صلاح و نظام عالمیان خبیر و داناست.»

۱۷- اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكُوهِ فِيهَا مِصْبَاحُ الْمِصْبَاحِ فِي زُجَاجِهِ الزُّجَاجُهَا كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرِهِ مُبَارَكٌ زَيْتُونُهُ لِأَشْرَقِيَّتِهِ وَ لِأَعْرَبِيَّتِهِ. ترجمه: «خدا نور (وجود بخش) آسمان‌ها و زمین است داستان نورش به مشکاتی ماند که در آن روشن چراغی باشد و آن چراغ در میان شیشه‌ای که تالائو آن گویی ستاره‌ای است درخشان و روشن از درخت مبارک زیتون که با آنکه شرقی و غربی نیست.»

۱۸- وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِيْ مَخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَّصِيرًا \* وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَطْلُ إِنْ الْبَطْلُ كَانَ زَهُوقًا. ترجمه: «و ای رسول ما دعا کن که بار الها مرا (همیشه به هر جا روم به مکه یا مدینه یا عالم قبر و محشر) به قدم صدق داخل و به قدم صدق خارج گردان و به من از جانب خود بصیرت و حجت روشنی که دائم مددکار باشد عطا فرما (\*) و به (امت) بگو که (رسول) حق آمد و باطل را نابود ساخت که باطل خود لایق محو و نابودی (ابدی) است.»

۱۹- يَا اللَّهُ، يَا رَحْمَنُ، يَا كَرِيمُ، يَا قَدِيرُ، يَا عَظِيمُ، يَا عَلِيمُ، يَا حَكِيمُ، يَا قُدُّوسُ، يَا مَالِكُ، يَا مُقَدِّمُ، يَا مُؤَخَّرُ، يَا عَزِيزُ.

۲۰- رَبِّ اجْعَلْنِي مَقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ (\*) رَبَّنَا اغْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدِيْ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ  
مرا نماز گزار گردان و بار الها دعای مرا اجابت فرما (\*) بار الها روزی که (میزان عدل و) حساب بیا می‌شود تو در آن روز سخت به من و والدین من و همه مؤمنان از کرم بیخشا.»

۲۱- اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَ لَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَ الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ لَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ لَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمْ وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ. ترجمه: «خدای یکتا که جز او خدایی نیست، زنده و پاینده است، هرگز او را کسالت و خواب فرا نگیرد تا چه رسد که به خواب رود. او مالک آن چه در آسمان‌ها و زمین است می‌باشد، کسی جرأت ندارد در پیشگاه او به شفاعت برخیزد مگر به فرمان او. علم او به آنچه پیش نظر خلق آمده و آنچه سپس خواهد آمد محیط است و خلق به هیچ مرتبه علم او احاطه نتوانند

کرد مگر به آنچه او خواهد. قلمرو علمش از آسمان‌ها و زمین فراتر است و نگهبانی و حفظ آسمان‌ها و زمین بر او آسان و بی‌زحمت است و او دانای بزرگوار و توانای با عظمت است.»

۲۲- اَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لَا نَفَرَقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ اطَعْنَا عَفْوَانِكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿﴾ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا أَلًا وَ سَعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْنَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تَأْخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اغْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ اغْفِرْ لَنَا مَا كُنَّا نَعْمَلُ فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.

ترجمه: «رسول به آنچه خدا بر او نازل کرد ایمان آورد و همه مؤمنان نیز همه به خدا و قالیبتگان خدا و کتب و پیامبران خدا ایمان آوردند و گفتند: ما میان هیچ یک از پیامبران خدا فرق نگذاریم و همه یک زبان و یکدل در قول و عمل اظهار کردند که ما فرمان خدا را شنیده اطاعت کردیم پروردگارا ما آمرزش ترا می‌خواهیم و می‌دانیم که بازگشت ما به سوی توست ﴿﴾ خداوند کسی را تکلیف نکند مگر به قدر توانایی او در روز جزا نیکبهای هر کس به سود خود او و بدیهایش نیز به زبان خود اوست پروردگارا ما را به آنچه فراموش یا خطا کرده‌ایم مؤاخذه مکن بار پروردگارا بار تکلیف گران و طاقت فرسا بر ما مگذار چنانکه بر پیشینیان ما نهی بار پروردگارا بار تکلیفی فوق طاقت، ما را به دوش منه و بیمارز و بخش گناه ما را و بر ما رحمت فرما سلطان ما و یار و یاور ما تویی ما را بر مغلوب کردن گروه کافران یاری فرما.

آیات فوق بعد از نماز عشاء معمولاً قرائت می‌گردد و ثواب نماز شب را دارد.»

۲۳- وَ اِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ انصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿﴾ وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ خِيفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَ لَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ ﴿﴾

اِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَ يَسْتَجِيبُونَ لَهُ لَهٗ بِسُجُودٍ. ترجمه: «و چون قرآن قرائت شود همه گوش بدان فرا دهید و سکوت کنید (تا حقایق قرآن و نصایح آن را بفهمید) باشد که مورد لطف و رحمت حق شوید ﴿﴾ خدای خود را با تضرع و پنهانی و بی‌آنکه آواز برکشی در دل خود در صبح و شب یاد کن و از غافلان مباش (یکدم از یاد خدا غافل مباش). ﴿﴾ ارواح و فرشتگانی که در حضور پروردگار تواند هیچ‌گاه از بندگی خدا سرکشی نکنند و پیوسته به تسبیح و تنزیه ذات احدیت و به سجده مشغولند.»

۲۴- وَ وَهَبْنَا لَهُ اسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ كَلَّا هَدَيْنَا وَ نوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ داوُدَ. ترجمه: «و ما به ابراهیم اسحاق و یعقوب را عطا کردیم و همه را به راست هدایت بداشتیم و نوح را نیز پیش از ابراهیم و از فرزندان او.»

۲۵- شیرین صور اسرافیل. فرش ایران، پیشین ص ۲۰.

۲۶- فَلِ رَبِّ ادْخُلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ اَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا ﴿﴾ وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ اِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا. ترجمه: «و ای رسول ما دعا کن که بار الها مرا (همیشه به هر جا روم به مکه یا مدینه یا عالم قبر و محشر) به قدم

صدق داخل و به قدم صدق خارج گردان و به من از جانب خود بصیرت و حجت روشنی که دائم مددکار باشد عطا فرما ﴿﴾ و به (امت) بگو که (رسول) حق آمد و باطل را نابود ساخت که باطل خود لایق محو و نابودی (ابدی) است.»

۲۷- رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دَعَاءِ ﴿﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ الْحِسَابِ ترجمه: «من و ذریه مرا نماز گزار گردان و بار الها دعای مرا اجابت فرما ﴿﴾ بار الها روی که (میزان عدل و) حساب بیا می‌شود تو در آن روز سخت به من و والدین من و همه مؤمنان از کرم ببخشا.»

۲۸- حشمت کفیلی. نگاهی به گنجینه نجوم، بروشور موزه آستان قدس رضوی، ص ۲.

۲۹- محمدتقی احسانی. هفت هزار سال هنر فلزکاری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸، ص ۲۲۵.

۳۰- زیتها یضی ء و لو لم تمسه نار نور علی نور یرهدی الله لنوره من یشاء و یضرب الله الامثال.

۳۱- للناس و الله بكل شی ء علیم.

۳۲- انا فتحنا لك فتحنا مبينا

#### منابع:

۱ - احسانی، محمدتقی. هفت هزارسال هنر فلزکاری، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۸.

۲ - آذریاد، حسن و حشمتی رضوی. فضل‌الله، قالی‌نامه ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، ۱۳۷۲.

۳ - اتینگ هاوزن، ریچارد و یار شاطر، احسان. اوج‌های درخشان هنر ایران، ترجمه‌ی هرمز عبداللهی و رویین پاکباز، تهران: نشر آگاه، ۱۳۷۹.

۴ - آیلند، موری کی. قالی‌های سالتینگ، ماهنامه هنرماه، مرداد و شهریور ۱۳۷۹، صفویه ۷۳-۶۰.

۵ - شیمیل، آنه ماری. خوشنویسی اسلامی، ترجمه‌ی مهناز شایسته‌فر، تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۰.

۶ - صوراسرافیل، شیرین. قالی ایران، تهران: انتشارات یساولی، ۱۳۶۶.

۷ - فریه، ردبلیو. هنرهای ایران، ترجمه‌ی پرویز مرزبان، تهران: نشر پژوهش فرزنان، ۱۳۷۴.

۸ - قاسمی نژاد، عبدالله. نقش خط در قالی ایران، فصلنامه پیام قالی، شماره ۲، دانشگاه کاشان، ۱۳۷۹، صص ۱۲۰-۱۱۱.

۹ - کفیلی، حشمت. نگاهی به گنجینه نجوم، مشهد: بروشور موزه آستان قدس رضوی، بی‌تا.

۱۰ - گاور، آلبرتینی. تاریخ خط، ترجمه‌ی عباس مخبر و کوروش صفوی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۶.

۱۲ - ویلسون، ج. کریستی. تاریخ صنایع ایران، ترجمه‌ی عبدالله فریار، تهران: انتشارات فرهنگسرا، بی‌تا.